

نقدی جدید بر کتاب

تاریخ الادب العربی

محمدنوری

مقدمه

به تازگی ناشران فعالی در کشور امارات متحده عربی پا گرفته و با شرکت در بازارهای جهانی کتاب به تدریج فعالانه وارد رقابت در عرصه چاپ و نشر شده اند. یکی از این ناشران که امسال به نمایشگاه بین المللی کتاب تهران آمده بود، المجمع الثقافی یا Cultural Foundation است. در بین آثاری که آورده بود، کتابی نظرم را جلب کرد. عنوان این اثر تصحیح اخطاء برو کلمان فی تاریخ الادب العربی، نوشته عبدالله محمد الحبشی بود.

اهمیت کتاب برو کلمان و تأثیر گذاری آن در پژوهش های اسلامی ایجاب می کرد که عده ای، ضعف ها و خطایای آن را بر شمارند و تا آنجایی که خبر داریم، این اولین کتاب مستقل در نقد تاریخ الادب العربی است.

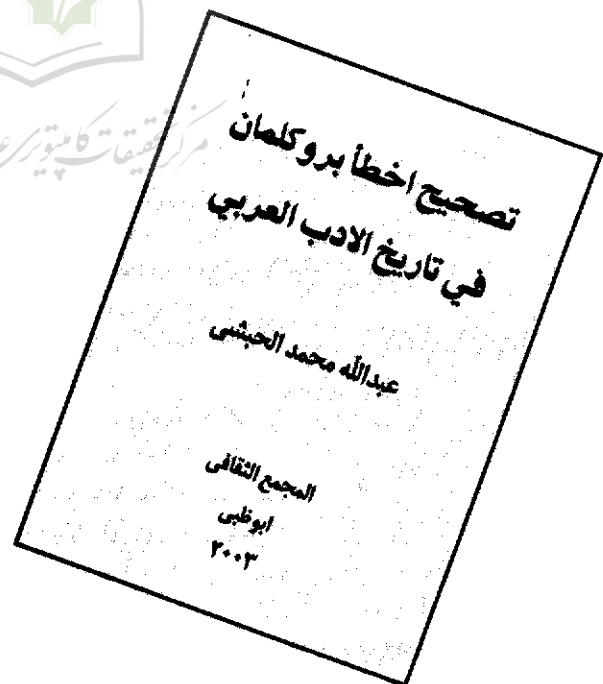
قبل از توضیح و گزارش نقد آقای الحبشی، توصیفی از خود کتاب برو کلمان عرضه می شود، آنگاه به سراغ الحبشی می روم.

گزارش تاریخ ادبیات عرب

این اثر، تاریخ علوم اسلامی و فرهنگ عرب و اسلام از دوره جاهلیت تا اواسط سده بیستم میلادی در مناطق مختلف مسلمان نشین به زبان المانی است.

نام نویسنده کارل برو کلمان^۱ (۱۸۶۸-۱۹۵۶ م) خاورشناس آلمانی است. وی در شهر روستوک^۲ متولد شد. از دوره دبیرستان علاقه مند به مطالعات شرقی بود و آموختن زبان های آرامی و سریانی را از همان دوره آغاز کرد.

در چند دانشگاه آلمان از جمله استراسبورگ نزد کسانی همچون نولدکه به تحصیل درس های شرق شناسی پرداخت. زیر نظر نولدکه، پژوهشی درباره رابطه الکامل ابن اثیر و تاریخ طبری در



تصحیح اخطاء برو کلمان فی تاریخ الادب العربی، عبدالله محمد الحبشی، ابوظبی، المجمع الثقافی، ۲۰۰۳ م.

1. Carl Brockelman

2. Rostock

مشخصات منحصر به فرد است.^{۱۲} از این رو همچون دائرةالمعارف و مرجع بزرگی است که پژوهشگران از آن بی نیاز نیستند.

تاریخ ادبیات عرب در واقع یک دوره تاریخ تمدن اسلام و مسلمانان نیز هست. البته روش نویسنده این گونه است که به جای طرح مباحث کلی و نظری تمدن اسلامی، به مصادیق و موارد آن یعنی علوم و دانشمندان پرداخته است.

بروکلمان پس از اتمام معجم سدیدانی (۱۸۹۵) و سفر ترکیه (۱۹۸۵-۱۹۸۶) ضرورت تألیف کتاب مرجع درباره تاریخ فرهنگ عرب در دوره اسلامی را به طوری که بتواند راهنمای پژوهشگران باشد بیش از پیش احساس کرد.^{۱۳} در واقع هدف بروکلمان از تألیف این کتاب، اطلاع رسانی در مورد منابع به ویژه کتاب های خطی در عرصه علوم مختلف عربی و مسلمانان و عرضه آدرس های آنها در کتابخانه ها به منظور دستیابی آسان تر پژوهشگران به آنها است.

داوری برخی این است که از حیث کثرت تتبع و گردآوری مآخذ، تاریخ ادبیات عرب انصافاً آرزنده و جالب است.^{۱۴} اما نباید از اشتباهات آن غفلت شود. برای نمونه کتاب بشارةالمصطفی را از آثار محمد بن جریر بن زبید طبری پنداشته، در حالی که از محمد بن علی بن رستم طبری (از علمای امامیه) است.^{۱۵} نیز جواد علی برخی برداشت ها و مطالب بروکلمان را برنمی تابد و نقدهایی دارد.^{۱۶}

۱۸۹۰م انجام داد و به دریافت جایزه نایل گردید. پس از فراغت از تحصیل به استادی چند رشته از مطالعات شرقی در دانشگاه های آلمان دست یافت.

وی به یازده زبان شرقی مانند عربی، سریانی، عبری، آشوری، فارسی میانه، فارسی نوین، ترکی و قبطی آشنا بود. نیز زبان های یونانی، لاتین، ایتالیایی، فرانسه، اسپانیولی و انگلیسی را می دانست. آثار زیادی درباره موضوعات مختلف تألیف کرد. سبک نگارش او عمدتاً دائرةالمعارفی و مستندنگاری است.^۳

وی در هر سه زمینه تألیف، ترجمه و تصحیح آثار اسلامی فعال بود. مقالات بسیاری در دائرةالمعارف اسلام (لیدن) نوشت، و کتاب هایی مانند الکامل این اثر را به چاپ رساند.^۴ کثرت آثار او، برخی را به فهرست سازی از آثارش ترغیب کرده است.^۵

مسافرت هایی به استانبول و برخی از سرزمین های اسلامی دیگر به منظور آشنایی با آداب، زبان، فرهنگ و کیش مسلمانان داشت.^۶ پیش از بروکلمان، پژوهش های فراوانی توسط خاورشناسان در زمینه مسائل مختلف اسلام و مسلمانان انجام یافته بود. اما بروکلمان با استفاده از همه آنها، یعنی فهرست ها، متون تحلیلی و ترجمه هایی که غربی ها تدوین کرده بودند، اثری برتر و جامع تر تألیف کرد. النجار بعضی از منابع بروکلمان را در مقدمه ترجمه عربی معرفی کرده است.^۷ به ویژه استشراق آلمانی، تجربه های فراوانی در زمینه های مختلف فرهنگ اسلامی کسب کرده بود و این پیش زمینه خوبی برای بروکلمان بود.

غیر از این پژوهش ها، آثاری هم در خصوص تاریخ ادبیات عرب و تاریخ فرهنگ مسلمانان در اروپا منتشر شده بود. یوسف فون هامر پورگشتال^۸ (۱۷۷۴-۱۸۵۶)، خاورشناس اتریشی، اولین کسی است که به تألیف تاریخ ادبیات^۹ پرداخت.

بروکلمان در مقدمه به برخی پژوهش های متفرقه مانند کارهای گلذیه در علوم حدیث اشاره و چگونگی استفاده خود را از آنها بیان می کند. غیر از خاورشناسان، نویسندگان عرب مانند مصطفی صادق الرافعی نویسنده کتاب تاریخ آداب العرب^{۱۰} در این زمینه قلم زده بودند. بروکلمان از اینها نیز بهره برده است.^{۱۱} با وجود آن همه آثار، این کتاب به عنوان مهم ترین دائرةالمعارف میراث علمی عرب در دوره اسلامی شناخته شده است. زیرا دارای اسلوب و روش علمی، دقت، تبویب و نظام بندی منطقی و دیگر

۳. ر. ک: المستشرقون، عقیقی، ج ۲، ص ۷۷۸ و ۷۸۲.

۴. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: موسوعة المستشرقین، عبدالرحمن بدوی، مدخل بروکلمان، المستشرقون، عقیقی، ج ۲، ص ۷۷۷ به بعد؛ ترجمه تاریخ الادب العربی؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۶۷؛ خاورشناسان، ابوالقاسم سحاب؛ «حیة کارل بروکلمان و اعماله»، محمود فهمی حجازی، مقدمه جلد اول؛

"Autobiography", Oriens, No 27 and 28 (1981); Johann Fuck, "Carl Brockelmann", ZDMG, Bd.108, 1958, p.1-13.

۵. ر. ک: موسوعة المستشرقین، عبدالرحمن بدوی، مدخل بروکلمان.

۶. نقد آثار خاورشناسان، حسینی طباطبایی، ص ۳۲.

۷. تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۳۱-۳۵.

8. Josef von Hammer-Purgstall.

۹. مشخصات کتابشناختی:

Literaturgeschichte der Araber, wien, 1850.

۱۰. قاهره، ۱۸۹۳م.

۱۱. فهرست این آثار را بروکلمان در مقدمه معرفی کرده است.

۱۲. مقدمه تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۶، ۲۹.

۱۳. مقدمه النجار بر تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۱۷.

۱۴. نقد آثار خاورشناسان، حسینی طباطبایی، ص ۳۵.

۱۵. همان.

۱۶. ر. ک: المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جواد علی، ج ۱، ص ۷۹ و

جایهای دیگر این کتاب.

ساختار و تبویب کتاب:

سرفصل‌های اصلی آن، هفت دوره زمانی است؛ یعنی تاریخ فرهنگ عرب را به دوره‌های زیر تقسیم کرده و مطالبی ذیل هر فصل آورده است:

۱. پیش از اسلام یا جاهلیت؛
۲. دوره رسالت؛
۳. دوره بنی‌امیه؛
۴. از ۷۵۰ (یا ۱۳۲ ق)، سال سقوط دولت اموی و روی کار آمدن عباسیان تا ۱۲۵۸ م (یا ۶۵۶ ق یعنی سال سقوط بنی‌عباس به دست مغول)؛
۵. از حمله مغول تا سال ۱۵۱۷ م (سقوط دولت ممالیک و فتح سوریه توسط سلطان سلیم اول)
۶. از ۱۵۱۷ تا ۱۷۹۸ (حمله ناپلئون به مصر)؛
۷. دوره جدید (از حمله ناپلئون تا اواسط سده بیستم).

هر دوره به چند منطقه جغرافیایی تقسیم و ذیل هر منطقه، علوم مختلف و ذیل علوم مختلف، دانشمندان را براساس تاریخ وفات آورده است. بنابراین هر دوره تقسیم چهارگانه دارد. به عبارت دیگر از معیارهای تاریخی، علمی و جغرافیایی در کنار یکدیگر برای طبقه‌بندی مطالب تاریخ فرهنگ استفاده کرده است. البته دوره‌های اول و دوم، تقسیم‌های مزبور را ندارد. دوره چهارم، به دو دوره متمایز زیر تقسیم شده است: الف. ۱۳۲ تا ۴۰۰ ق یا دوره قدیمی شکوفایی فرهنگ در عصر عباسی.

ب. ۴۰۱ تا ۶۵۶ ق یا دوره جدید شکوفایی فرهنگ. از نظر دیگر، بروکلیمان تاریخ فرهنگ عرب را به دو دوره متمایز تقسیم می‌کند: دوره میراث اصیل عرب و دوره اختلاط فرهنگی عرب با دیگر ملت‌ها. دوره اول شامل عصر جاهلیت تا امویان و دوره دوم از عصر عباسیان آغاز به بعد است.

کتاب بروکلیمان نه همانند *Who's Who* متداول در غرب و نه همانند طبقات و تراجم نگاری‌ها متعارف در بین مسلمانان و نه مثل فهرست‌های ابن ندیم و طوسی و نه کتابنامه‌هایی همچون کشف الظنون است. بلکه ترکیبی از همه اینها در قالبی جدید است. در عنوان کتاب، ادبیات (*Litteratur*) آمده است. ادبیات دو کاربرد دارد: یکی در مورد نشر و شعر و دوم در معنایی وسیع‌تر، بر حیات فکری و فرهنگ مکتوب اطلاق می‌شود. کاربرد دوم در غرب متداول‌تر است. بروکلیمان ادبیات را به معنای دوم استعمال کرده است. ۱۷. النجار معتقد است این کلمه در فرهنگ آلمانی به معنای میراث علمی مدون، کتب و مراجع

علمی است.^{۱۸} از این رو قلمرو علمی این اثر، فرهنگ اسلامی است. البته نمی‌توان گفت همه علوم موجود در فرهنگ اسلامی را تفحص کرده ولی مهم‌ترین آنها را تحقیق کرده است. علوم که در این کتاب مورد تحقیق قرار گرفته عبارتند از: عقاید، علوم، حدیث، علوم قرآن، فقه، تصوف، شعر، نشر، تاریخ محلی، انساب، رجال، تاریخ دولت‌ها، لغت‌شناسی، تاریخ، تفسیر، فلسفه، ریاضیات، فلک و تنجیم، دائرةالمعارف‌ها، طب، سیاست و مدیریت، جغرافیا و سفرنامه‌نویسی، علوم طبیعی، هندسه، سحر و دیگر علوم غریبه، موسیقی، تجارت، شطرنج، و دیگر بازی‌ها و سرگرمی‌ها، کشاورزی، جنگ، دامپزشکی و کیمیا.

کتاب‌هایی نظیر تاریخ ادبیات عرب از حنا الفاخوری،^{۱۹} فقط به ادبیات در معنای اخص آن یعنی شعر و نشر پرداخته‌اند. از این رو قلمرو آنها تمام فرهنگ نیست.

قلمرو جغرافیای

مورد پژوهش او همه جهان اسلام از هندوستان تا اندلس است. از این رو اطلاعات مفیدی درباره ایران، افغانستان، آسیای میانه و ترکیه عرضه می‌کند.

به دلیل استفاده مؤلف از فهرست‌های مخطوطات، می‌توان گفت این کتاب، اطلاعات یک دوره فهرس دست‌نوشته‌ها را در خود جای داده است. عناوین فهرست‌های مخطوطات به ۱۶۸ عنوان می‌رسد. البته از منابع دیگر چاپی و حتی مقالات نیز به فراوانی استفاده کرده است.^{۲۰}

مؤلف فقط گردآورنده اطلاعات نبوده بلکه براساس باورها و نظرات خاص برای مثال به تألیف پرداخته است. بروکلیمان معتقد است اسلام در سبک و اسلوب شعری و ادبی تحولی ایجاد نکرد و تا پایان دوره امویان، شعرا به همان روش دوره جاهلیت پیش می‌رفتند. از این رو از دوره جاهلیت تا دوره

۱۷. موسوعة المصادر والمراجع، عبدالرحمن عطیه، ص ۳۴.

۱۸. مقدمه تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۱۷.

۱۹. این کتاب توسط عبدالمحمد آیتی به فارسی برگردانده و با این مشخصات چاپ شد: تاریخ ادبیات زبان هری، تهران، توس، ۱۳۷۴، چاپ سوم.

۲۰. موسوعة المصادر والمراجع، عبدالرحمن عطیه، ص ۳۶.

چند کتاب درباره تاریخ ادبیات ایران منتشر شده که در مقایسه با کتاب بروکلیمان، پژوهش حجیم ذبیح الله صفا^{۲۲} به آن نزدیک تر است. شباهت های این دو کتاب یکی در کاربرد واژه ادبیات در معنای اعم آن و دوم ساختار اصلی کتاب یعنی تبویب آن است. صفا مانند بروکلیمان، دانشمندان را همراه با آثار آنها معرفی کرده است.

تاریخ ادبیات عرب در دو جلد اصلی در ۱۹۰۱ م چاپ شد و دو جلد متمم آن هم در ۱۹۳۶ م چاپ شد.

Geschichte der arabischen Literature, Ied, 2Bands, Berlin, 1898-1902, 2ed., Leiden, Brill, 1937-1949, ix + 676 + xiv+686s.

بروکلیمان از زمان نشر چاپ اول کتاب تاریخ ادبیات عرب (۱۹۰۲-۱۸۹۸ م) اصلاح، توضیح و تکمیل آن را به مدت چهل سال ادامه داد. همه تغییرات را در دو جلد قطور گردآوری کرد که یکی در ۱۹۳۷ و دیگری در ۱۹۳۸ از سوی بریل در لیدن هلند زیر عنوان پیوست تکمیلی تاریخ ادبیات عرب منتشر شد.^{۲۳}

نظر بدوی در مورد پیوست دو جلدی این است که بهتر بود این تکمله ها و اضافات در متن اصلی اعمال می شد و در واقع متن اصلی از نو تدوین می گردید. زیرا خوانندگان برای استفاده با مشکلات عدید مواجه خواهند شد. خود بروکلیمان هم معتقد به بازنگاری بود اما ناشر، شرط هایی به میان آورده بود که انجام آنها از سوی بروکلیمان ناممکن بود.

بروکلیمان پیوست دیگری را در یک جلد در ۱۹۴۲ منتشر کرد. این جلد سوم مستدرک ها بود. ویژگی مهم این پیوست پرداختن به موضوع جدید و بدون سابقه در متن اصلی یعنی تاریخ ادبیات عربی نوین از ۱۸۸۲ (سال اشغال مصر از سوی انگلستان) تا عصر حاضر است. در این جلد علاوه بر ذکر سرفصل های کتاب ها به محتوا و مضامین فصل های در منابع، همچنین به داوری درباره زبان و سبک نگارش نیز پرداخته است. در صورتی که جلد های متن و پیوست یک این گونه نبود.

مشخصات این مستدرک ها بدین قرار است:

Supplement, 3Bands, Leiden, Brill, 1937-1942, Xvii+973, Xvii+1045, X+1326s.

برگردان عربی این کتاب به پیشنهاد اداره فرهنگی دانشگاه الدول العربیة و به سرپرستی دکتر عبدالحلیم النجار آغاز شد. تا زمان وفات النجار سه جزء آن بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ ترجمه

۲۱. تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۹۵.

۲۲. تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۲.

۲۳. موسوعة المستشرقین، عبدالرحمن بدوی.

اصویان از این نظر شباهت وجود دارد. اما در دوره عباسیان تحولاتی پدید آمد.^{۲۱}

بروکلیمان ذیل هر علم، مهم ترین نویسندگان را معرفی کرده است. شیوه او این گونه است که ابتدا نام شهر را به عنوان مدخل و پس از نام کامل و زندگی نامه کوتاهی مشتمل بر نام، نسب، سال ولادت و وفات و فعالیت های علمی او را عرضه می کند. پس از آن مصادر زندگینامه او را فهرست، آنگاه آثارش را معرفی می کند. اگر آثار خطی باشد، پراکندگی آن را در کتابخانه ای مختلف نشان می دهد.

گاهی کتاب های منحول و مشکوک را معین کرده است. اما توضیحات تحلیلی و توضیحی در این مورد ندارد. اطلاعات بروکلیمان درباره ترجمه ها، شرح ها، مختصرها، حاشیه ها و تهذیب های برخی کتب، راهنمایی خوبی برای پژوهشگران است. برای آشنایی با سبک بروکلیمان «مدخل القونوی» تحلیل می شود. ابتدا نام کامل او را به این صورت ثبت کرده است: علاءالدین ابوالحسن علی بن اسماعیل بن یوسف القونوی. در همین جا به تاریخ تولد وی و زادگاه او اشاره می کند. به دنبال آن می نویسد:

در ۶۹۳ق/۱۲۹۴م به دمشق آمد و در مدرسه اقبالیه استاد شد. در ۷۰۰ق، استادی در مسجد طولونی را به دست آورد. در پی آن دیگر مناصب، مشاغل و فعالیت های او را توضیح داده و در پایان این بخش به وفات وی اشاره می کند.

بخش دوم زیر عنوان منابع زندگینامه او چندین کتاب کهن عربی و یک منبع لاتین آورده است، مثلاً چنین نوشته است: طبقات الشافعیة للسبکی ۱۴۴/۶.

بخش سوم اختصاص به آثار قونوی دارد. چهار کتاب برای وی بر شمرده است. آدرس دو عنوان از آن چهار کتاب را به فهرست های مخطوطات ارجاع می دهد.

از جمله انتقادهایی که در مورد این اثر گفته اند: بروکلیمان با تکیه بر فهرس مخطوطات، اطلاعات دستنوشته ها را آورده است. از این رو چون بسیاری از نسخه ها فهرست نشده بود، در این کتاب یادی از آنها نشده است. این نقص بزرگی برای این کتاب است.



شد. پس از او سید یعقوب بکر و رمضان عبدالنواب سرپرستی ترجمه بقیه اجزاء را به درخواست سازمان عربی تربیت و فرهنگ و علوم^{۲۴} بر عهده گرفتند. جزء ۴ و ۵ و ۶ بین ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ ترجمه شد و پروژه متوقف گردید. مجدداً همان سازمان از محمود فهمی حجازی تقاضای ادامه کار را نمود. ولی آقایان محمد عونی عبدالرؤف، محمد حمدی زقروق، غریب محمد غریب، عمر صابر عبدالجلیل، سعید حسن البحریری و حسن محمود اسماعیل را به کار گرفت. بالاخره ترجمه کتاب در ده قسمت بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ مجدداً منتشر شد.

ترجمه عربی دارای این مشخصات است: تاریخ الادب العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی و دیگران، ده مجلد، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۳ م.

جلد اول مشتمل بر مقدمه‌هایی از مسارع حسن الراوی مدیر سازمان عربی تربیت و فرهنگ و علوم، محیی‌الدین صابر مدیر سابق همان سازمان و محمود فهمی حجازی سرپرست گروه مترجمان است.

مترجمان خود را ملتزم به رعایت تبویت بروکلمان ندیده و دخل و تصرفات و اضافاتی داشتند.^{۲۵} بیوگرافی مترجمان در مقدمه جلد اول آمده است.

فهرست‌های این کتاب توسط دریه الحطیب، در چهار جزء با مشخصات زیر چاپ شده است.

الفهارس العربية للكتاب تاریخ الادب العربی، حلب، معهد التراث العلمی العربی، ۱۴۰۴-۱۴۱۱ ق/ ۱۹۸۴-۱۹۹۱ م.

این فهرست شامل اعلام، کتب، مجلات، مقالات، اماکن و مراجع است البته آشفتنگی‌هایی در آن وجود دارد و پژوهشگران به راحتی نمی‌توانند از آن استفاده کنند.

نقد و بررسی

پس از گذشت حدود نیم سده از فوت بروکلمان (درگذشت ۱۹۵۶ م) و پس از گذشت حدود یک سده از چاپ کتاب تاریخ ادبیات عرب، نقد آقای حبشی منتشر شد. با این که کتاب بروکلمان مرجع در بسیاری از تحقیقات اسلامی است و صدها پژوهشگر از آن بهره برده‌اند. چاپ اول این نقد به ۱۹۹۷ باز می‌گردد. پس از چاپ اول و استقبال از آن و تمام شدن نسخه‌ها در بازار، آقای حبشی به چاپ دوم اقدام کرد. البته تفاوت‌هایی بین این دو چاپ هست و برخی تعدیل، کم یا زیادها انجام یافته است.

آقای حبشی مدعی است اصل آلمانی و ترجمه عربی را مطالعه کرده و اشکالات آنها را استخراج نموده است. در مقدمه علت‌های مشکلات و ضعف‌های کتاب بروکلمان را در چند نکته دانسته است:

کثرت اطلاعات و بزرگی دامنه موضوع، یعنی بررسی تاریخ چهارده قرن فرهنگ مسلمانان، به ویژه اینکه، پژوهش و تألیف آن را فردی نه گروهی انجام داده است.

دلیل دیگر کثرت خطاهای بروکلمان، غیر عرب بودن او و بیگانگی از فرهنگ عربی-اسلامی به ویژه عدم تخصص در نسخه‌شناسی است.

آقای حبشی معتقد است به دلیل اقدمیت اثر بروکلمان بر بسیاری از آثار مشابه، خطاهای او به آثار بعدی منتقل شده است. از این رو بسیاری از خطاها تکثیر شده‌اند.

البته همه خطاها از جانب بروکلمان نیست و برخی توسط مترجمان عربی وارد شده است؛ به ویژه در ضبط و ثبت نام‌ها وضع حادث‌تر است. زیرا بروکلمان نام‌های عربی را به آلمانی نوشته است و مترجمان مجدداً به عربی برگردانده‌اند و به دلیل تشابه برخی حروف مثل حاء و عین یا ضاد و طاء در حروف آلمانی، مترجمان اشتباه افتاده‌اند.

مطابق احصاء و بررسی آقای حبشی، خطاهای جزء‌های اول تا ششم بسیار کم است. زیرا مترجمان، با دقت به متون اصلی مراجعه کرده‌اند. اما متأسفانه غلط‌های چاپ و سقط صفحات و افتادگی مطالب دیده می‌شود. در مجموع حدود ۲۰۰۰ اشتباه پژوهشی و غلط چاپی و ترجمه‌ای یافته است.

شیوه حبشی این گونه است که خطای کتاب بروکلمان را ابتدا آورده و دنبال آن مطلب صحیح را متذکر شده است. ایشان فقط به اشکالات جزئی مانند خطا در نام نویسنده یا عنوان کتاب پرداخته، ولی به اشکالات ساختاری موجود در تاریخ الادب العربی توجهی نکرده است.

چند سالی که ناشران ایرانی در صدد انتشار کتاب بروکلمان در ایران بوده‌اند، ولی غیر از چاپ ناقص سه جزء آن در سال‌های دور هنوز عملی نشده است؛ اما گویا جدیداً ناشری تصمیم به چاپ آن گرفته است. امید است پیش از چاپ، اغلاط و مشکلاتی که توسط آقای حبشی و دیگران مطرح شده، اصلاح شود.

۲۴. المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم.

۲۵. موسوعة المصادر والمراجع، عطیه، ص ۳۴-۳۵.